

بررسی تطبیقی اعجاز علمی از دیدگاه علامه جوادی آملی و سید قطب

علی خلیل پور* | سعید فرید شیخ احمد**

چکیده

مسئله اعجاز علمی قرآن یکی از مباحث برجسته در تفسیر و اندیشه اسلامی است که در آن به رابطه میان قرآن کریم و علوم تجربی پرداخته است. علامه جوادی آملی با رویکردی جامع‌نگر، قرآن را منبعی برای تمام علوم و هدایت بشر دانسته که در عین حال با علوم تجربی همخوانی دارد. وی معتقد است که علوم بشری باید در چارچوب معارف اسلامی تحلیل و تکمیل شوند. در مقابل، سید قطب بر استقلال قرآن از علوم تجربی تأکید داشته و معتقد است که هدف اصلی قرآن، هدایت معنوی و اخلاقی انسان‌ها است، نه ارائه توضیحات علمی. او تطبیق آیات قرآن با نظریات علمی را اشتباهی روش‌شناختی قلمداد کرده که می‌تواند به تحریف معانی آیات منجر شود. این پژوهش، با تحلیل و مقایسه این دو دیدگاه، به بررسی ابعاد مختلف اعجاز علمی قرآن پرداخته و تأثیر آن بر اندیشه‌های اسلامی معاصر را تبیین کرده است.

کلیدواژه‌ها

قرآن، آیت‌الله جوادی آملی، سید قطب، اعجاز علمی، علوم تجربی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

* دانش آموخته سطح چهار رشته تفسیر و علوم قرآن، موسسه آموزش عالی اسراء، قم، ایران. (نویسنده مسئول)

** دانش آموخته سطح سه رشته تفسیر و علوم قرآن، موسسه آموزش عالی اسراء، قم، ایران.

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۰۵؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۱۶)

مقدمه

قرآن کریم، به عنوان کتابی جاودانه و کامل، نه تنها به عنوان راهنمایی برای رستگاری روحی و اخلاقی انسان‌ها مطرح است، بلکه از منظر علمی نیز به عنوان یکی از منابعی که حاوی اطلاعات دقیق و غیرقابل انکار است، شناخته می‌شود. یکی از ابعاد برجسته این کتاب مقدس، مسئله اعجاز قرآن است که در طول تاریخ توجه بسیاری از اندیشمندان، مفسران و پژوهشگران را به خود جلب کرده است. اعجاز قرآن از دیرباز به عنوان یکی از ویژگی‌های منحصر به فرد این کتاب الهی مورد تأکید قرار گرفته است. از آنجاکه قرآن کریم به طور کلی به عنوان راهنمایی برای بشر در تمامی ابعاد زندگی، اعم از فردی، اجتماعی، اخلاقی و دینی، نازل شده است، برخی از مفسران در قرون مختلف به تحلیل و تفسیر جنبه‌های مختلف علمی آن پرداخته‌اند.

یکی از مهم‌ترین جنبه‌های اعجاز قرآن که در سال‌های اخیر مورد توجه قرار گرفته، اعجاز علمی قرآن است. به این معنا که قرآن کریم در دل آیات خود به مباحث علمی پرداخته است که برخی از آن‌ها حتی تا قرون بعد از نزول قرآن قابل درک و اثبات نبوده است. برخی از این مباحث علمی شامل مسائل فیزیکی، زیست‌شناسی، کیهان‌شناسی و حتی جنبه‌های روان‌شناسی هستند که به طور حیرت‌آوری با کشفیات علمی جدید هم‌راستا هستند. این نوع اعجاز به‌ویژه در دنیای مدرن که علم و فناوری به سرعت در حال پیشرفت است، موجب شگفتی بیشتر پژوهشگران و علاقه‌مندان به قرآن شده است.

در این راستا، مفسران معاصر مانند علامه جوادی آملی و سید قطب دیدگاه‌های متفاوتی درباره ارتباط قرآن با علم تجربی ارائه داده‌اند. علامه جوادی آملی با نگرشی جامع و اعتدالی به این موضوع پرداخته و قرآن را به عنوان کتابی معرفی می‌کند که علاوه بر هدایت انسان‌ها در امور دینی، به طور غیرمستقیم به اصول علمی نیز اشاره دارد. از نظر ایشان، قرآن به هیچ وجه از علم تجربی جدا نیست و می‌توان بسیاری از حقایق علمی را در آیات قرآن یافت. وی معتقد است که قرآن نه تنها در

راستای تکامل معنوی انسان، بلکه در زمینه رشد علمی بشر نیز نقش حیاتی دارد.

از سوی دیگر، سید قطب با دیدگاه خاص خود بر این باور است که قرآن کریم صرفاً به عنوان کتابی برای هدایت انسان‌ها در مسائل دینی و اخلاقی نازل شده است. او معتقد است که تطبیق قرآن با علوم تجربی می‌تواند به تحریف معانی آن منجر شود و قرآن باید مستقل از علوم بشری فهمیده شود. سید قطب به‌ویژه در آثار خود مانند *فی ظلال القرآن* تأکید دارد که هدف قرآن هدایت انسان به سوی سعادت دنیوی و اخروی است و نباید آن را به عنوان کتابی علمی در نظر گرفت.

هدف اصلی این مقاله تحلیل و مقایسه دیدگاه‌های علامه جوادی آملی و سید قطب درباره اعجاز علمی قرآن است. این مقاله تلاش می‌کند تا فهمی روشن از ابعاد مختلف اعجاز علمی قرآن به دست دهد و نشان دهد که چگونه می‌توان میان قرآن و دستاوردهای علمی ارتباط برقرار کرد. علاوه بر این، این پژوهش به دنبال روشن کردن مباحث مربوط به رابطه علم و دین در قرآن و تأثیر آن در شناخت بشر از طبیعت و جهان هستی است. در نهایت، این مقاله قصد دارد تا جایگاه قرآن را نه تنها به عنوان کتابی برای هدایت معنوی انسان‌ها، بلکه به عنوان منبعی برای رشد علمی بشر نیز تبیین کند.

در این راستا، اندیشمندان در دوره‌های مختلف دیدگاه‌های متفاوتی در این زمینه ارائه داده‌اند. در مطالعات علمی و دینی، به‌ویژه در دهه‌های اخیر، چندین مقاله و پایان‌نامه در زمینه اعجاز علمی قرآن و تطبیق دیدگاه‌های مختلف در این زمینه منتشر شده است. برخی از مهم‌ترین آثار عبارت‌اند از:

۱- «اعجاز علمی قرآن در اندیشه‌های آیت‌الله جوادی آملی» این مقاله که در شماره اول و در پاییز و زمستان ۱۳۹۴ در نشریه معارج منتشر شده است دیدگاه‌های آیت‌الله جوادی آملی مورد بررسی قرار گرفته است و نویسندگان این مقاله تأکید دارند که علامه جوادی نگاهی جامع‌نگر به اعجاز علمی

قرآن دارند و ایشان را به صورت فردی میانه‌رو در نگاه به اعجاز علمی می‌دانند و با آوردن دلایلی از ایشان اعجاز علمی قرآن را به اثبات می‌رسانند اما این مقاله بدون توجه به نقدهای موجود درباره اعجاز علمی و گاهی با ارائه دلایلی سطحی و کلی نسبت به مفاهیمی که ارائه می‌دهند به نگارش این مقاله پرداخته است، این در حالی است که مقاله حاضر سعی دارد این نواقص را رفع کرده و با نگاهی عمیق و با بررسی نگاه‌های متضاد این مسئله را مورد بررسی قرار دهد.

۲- «بررسی و نقد دیدگاه سید قطب درباره نسبت دین و علوم تجربی» این نوشته که در نشریه مطالعات علوم قرآنی به چاپ رسیده است به بررسی علوم تجربی از دیدگاه سید قطب پرداخته و آن را مورد نقد و بررسی قرار داده است، اما در رابطه با نظریات سید قطب مقالات زیادی نوشته ولی آنچه مورد در خصوص موضوع این مقاله باشد یافت نشده و این موضوع مورد غفلت واقع شده است. اما مقاله حاضر درواقع دیدگاه‌های علامه جوادی آملی و سید قطب در زمینه اعجاز علمی قرآن را مورد بررسی قرار داده است که دارای مزیت‌هایی است که آن را از سایر آثار موجود متمایز می‌کند: تمرکز خاص بر دو دیدگاه برجسته و متضاد:

بسیاری از مقالات و پایان‌نامه‌ها یا تنها به تحلیل یک دیدگاه پرداخته‌اند یا به‌طورکلی به اعجاز علمی قرآن نگریسته‌اند؛ اما مقاله حاضر با تمرکز دقیق بر دیدگاه‌های علامه جوادی آملی و سید قطب، تطبیق دقیقی از این دو رویکرد متضاد ارائه می‌دهد و هم‌چنین این مقاله به آن تفکر از سید قطب پرداخته است که مورد غفلت واقع شده است.

مفهوم‌شناسی

تفسیر

تفسیر به‌مثابه کلید فهم قرآن، همواره جایگاهی محوری در مطالعات قرآنی داشته است. اگرچه معنای این واژه روشن به نظر می‌رسد، ولی تعیین مرزهای دقیق مفهومی آن درگرو توجه به دیدگاه

دقیقی است که تفسیر را نه صرفاً شرح الفاظ، بلکه فرایندی نظام‌مند مبتنی بر ظرفیت‌های انسانی می‌داند. آیت‌الله جوادی آملی در تعریف تفسیر می‌نویسد: «تفسیر به معنای روشن کردن و پرده‌برداری از چهره کلمه یا کلامی است که بر اساس قانون محاوره و فرهنگ مفاهیمه ایراد شده باشد و معنای آن آشکار و واضح نباشد». (جوادی آملی، ۱۳۹۵، ج. ۱، ۵۲).

ایشان در بخش دیگری از آثار خود بر ضرورت گنجانیدن قید «به‌قدر طاقت بشری» در تعریف تفسیر قرآن تأکید می‌ورزد. وی با تشریح دلیل این مسئله، بیان می‌دارد که همان‌گونه که در تعریف فلسفه به‌عنوان «شناخت هستی تا سرحد توان انسانی» اشاره می‌شود، در تعریف تفسیر نیز باید «فهم مراد خداوند متعال به‌اندازه ظرفیت بشری» لحاظ گردد. به عبارت دیگر، این قید محدودکننده هم در بررسی عینی جهان (فلسفه) و هم در تحلیل علمی متن مقدس (تفسیر) جایگاه بنیادین دارد. ایشان در تبیین این همسانی مفهومی توضیح می‌دهند: «چنان‌که فلسفه، کوششی انسانی برای درک حقیقت وجود است، تفسیر قرآن نیز تلاشی بشری برای فهم مقصود الهی محسوب می‌شود که هر دو به‌طور ذاتی مشروط به محدودیت‌های معرفتی انسان‌اند». (جوادی آملی، ۱۳۹۵، ج. ۱، ۲۰۳). این نگاه، تفسیر را نه فرایندی مطلق گرایانه، بلکه رویکردی اعتدالی مبتنی بر توانمندی‌های عقل جمعی بشر می‌داند؛ بنابراین می‌توان گفت منظور از تفسیر فهم مراد جدی خداوند از متن قرآن کریم است.

سید قطب در «فی ظلال القرآن» به‌صراحت به تعریف تفسیر می‌پردازد. او تفسیر را فرایندی زنده و انقلابی می‌داند که قرآن را نه به‌عنوان یک متن تاریخی یا ادبی محض، بلکه به‌عنوان برنامه عملی برای هدایت جامعه تحلیل می‌کند. (سید قطب، فی ظلال، ۱۹۹۶، ج. ۱، ۲۰-۲۵).

علم

از منظر آیت‌الله جوادی آملی، علم به دو قسم اساسی «حصولی» و «حضوری» تقسیم می‌شود. علم حصولی دانشی است که معلوم در آن «واقعیت نما» ست، نه عین واقعیت خارجی؛ بنابراین،

آثار عینی واقعیت را ندارد. این علم مبتنی بر مفاهیم ذهنی است، مانند علم به ماهیت اشیا (جوادی آملی، ۱۳۹۰، ص. ۲۴۱). در مقابل، علم حضوری دانشی است که معلوم در آن «عین واقعیت» است و منشأ اثر خارجی می‌شود، مانند علم نفس به ذات خود که بدون واسطه مفهومی حاصل می‌گردد (همان، ۲۴۱). ایشان تأکید می‌کند حتی در خواب، ادراکات انسان از طریق «چشم دل» و به صورت حضوری رخ می‌دهد، هرچند ممکن است تحت تأثیر خاطرات یا اوهام باشد (همان).

از نگاه جوادی آملی، تقدس علوم به مبانی هستی شناختی آن وابسته است. اگر علوم بر پایه هستی‌شناسی توحیدی استوار باشند، حتی دانش‌های تجربی مانند علوم طبیعی، با انکا به متون دینی، از قداست الهی برخوردار می‌شوند. در مقابل، اگر علوم از فلسفه‌های حس‌گرایانه یا الحادی تغذیه کنند، قداست خود را از دست می‌دهند و دچار نسبیت می‌گردند (جوادی آملی، ۱۳۸۲، ص. ۳۷۲). در سطح متافیزیکی، آیت‌الله جوادی آملی علم را در تمام اقسامش (حسی، خیالی، عقلی و قلبی) از سنخ وجود می‌داند، نه ماهیت. به بیان دیگر، علم و وجود در مصداق واحدند و تفاوت آن‌ها تنها در مفهوم است. این نگاه، علم را به مثابه جلوه‌هایی از حقیقت وجود تفسیر می‌کند که پیوندی ناگسستگی با هستی دارد (جوادی آملی، ۱۳۷۵، ج. ۲، ۱۹۵).

بنابراین، علم حصولی به مثابه ابزاری برای فهم مفاهیم و علم حضوری به عنوان دریافتی بی‌واسطه از واقعیت، مکمل یکدیگرند. قداست علوم درگرو انطباق آن‌ها با «هستی‌شناسی توحیدی» است و هرگونه دانشی که از این چارچوب خارج شود، به نسبیت و مادی‌گرایی می‌گراید. این نگاه، علم را نه صرفاً ابزاری تجربی، بلکه جزئی از نظام حکمت الهی می‌داند که غایت آن تقرب به حقیقت وجود است.

در بحث اعجاز علمی قرآن، نوع علمی که مطرح می‌شود، علم تجربی (علوم طبیعی مانند فیزیک، زیست‌شناسی، نجوم، زمین‌شناسی و...) است، اما نه به معنای صرفاً مادی و سکولار آن،

بلکه در چارچوب هدایت الهی و به عنوان نشانه‌هایی از حکمت و عظمت خداوند. در اینجا، قرآن به گونه‌ای به پدیده‌های طبیعی اشاره می‌کند که با کشفیات علمی بشر هماهنگی دارد، اما این هماهنگی به معنای تطبیق قرآن با نظریه‌های متغیر علمی نیست، بلکه هدف آن تقویت ایمان و ارائه جهان‌بینی توحیدی است.

منظور از علم در عنوان حاضر علوم تجربی است که شاخه‌ای از دانش است که مبتنی بر مشاهده، آزمایش و روش‌های تجربی است. (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ص. ۱۴۳)

اعجاز

معنای لغوی عجز از عهده کار برنیامدن است در مقابل این واژه قدر را به کار می‌برند. وقتی گفته می‌شود عجز الامر یعنی آن کار او را ناتوان ساخت. (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴ ش. ۲، ص. ۵۵۳)

ابن فارس دو معنا برای این واژه به کار برده است ۱. ضعف و ناتوانی (عجز عن الشيء یعجزه عجزاً، فهو عاجز، ای ضعیف) ۲. پایان شی و قسمت انتهایی و دنباله یک چیز (فالعجز: موخر الشيء) که جمع آن اعجاز است. (ابن فارس، ۱۴۰۴ ق. ج. ۴، ص. ۲۳۲/۲۳۳)

نکته قابل توجه در تعریف واژه معجزه با توجه به معنای لغوی آن می‌توان به رویکرد کلامی توجه داشت که در این علم از معجزه به عملی یاد می‌کنند که دیگران در برابر آن ناتوان می‌مانند. این ناتوانی مخالفان نشان‌دهنده الهی بودن معجزه و ابزاری برای اثبات صدق پیامبران که بزرگان تفسیر نیز این واژه را این گونه تعریف می‌کنند:

در معنای اصطلاحی، معجزه عبارت است از امری خارج عادت که دلالت کند ماورای طبیعت در طبیعت و امور مادی تصرف کرده است و این به آن معنا نیست که معجزه مبطل امر عقلی و ضروری است (طباطبایی، ۱۳۹۵، ج. ۱، ص. ۷۲)

آیت الله جوادی آملی معجزه را این طور تعریف می‌کنند که: معجزه به کار ویژه و خارق العاده‌ای

گفته می‌شود که تنها فرستادگان الهی توان انجام آن را دارند و بشر عادی حتی اگر تمام قوای خود را به کاربندند از آوردن مثل آن ناتوان و عاجزند به عبارت دیگر اعجاز کار خارق عادت است که برای اثبات امامت و نبوت است و همراه تحدی و مبارزه طلبی است. (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ص. ۹۰ و ۹۹)

اعجاز علمی: علامه طباطبایی با اشاره به آیات قرآن کریم حقایق که قرآن از آن خبر داده است که در روزهای نزول قرآن در هیچ کجای دنیا اثری از آن حقایق نبود و بعد از چهارده قرن و بعد از بحث‌های علمی طولانی بشر موفق به کشف آن‌ها شده. (طباطبایی، ۱۳۹۵، ج. ۱، ص. ۱۰۳)

ایشان اعجاز علمی را شامل حقایق ناشناخته در عصر نزول می‌داند و این حقایق را جزئی از ابعاد اعجاز قرآن برمی‌شمارند

آیت الله جوادی آملی: اعجاز علمی قرآن ظهور حقایق علمی قطعی و ثابت در آیات قرآنی است که در عصر نزول برای بشر ناشناخته بود و با پیشرفت علوم تجربی و انطباق آن با معارف قرآن آشکار می‌شود به گونه‌ای که این تطابق شاهدهی بر الهی بودن قرآن گردد. (جوادی آملی، ۱۳۸۳، ج. ۳، ص. ۱۲۶-۱۲۸)

دیدگاه علامه جوادی درباره اعجاز علمی قرآن کریم

عمده نظراتی که درباره اعجاز علمی قرآن وجود دارد انسان را به تفکر وامی‌دارد و بعضی از متفکران اسلامی را به چالش کشانده است و سه دیدگاه درباره اعجاز علمی وجود دارد که عبارتند از:

۱- همه علوم بشری در قرآن وجود دارد. (طنطاوی، جوهری ۱۹۹۷، ج. ۱، ص. ۲۳-۲۵) این دیدگاه حامیان سرسختی دارد از جمله ابو حامد غزالی در احیاء العلوم و جواهر القرآن، طنطاوی جوهری در الجواهر فی تفسیر القرآن که این دیدگاه را دانشمندانی هم چون علامه مصباح نادرست دانسته و در رابطه با تفسیر طنطاوی می‌نویسد: «او به دلیل آنکه در زمانه‌ای که می‌زیست، علوم غربی، تازه به مصر راه یافته و فرهنگ اروپایی بر افکار مسلمانان سیطره پیدا کرده بود و او به گمان خود برای آنکه مسلمانان را از فریفتگی در برابر این فرهنگ غرب بازدارد، در اثر تفسیری خویش بسیار کوشید تا

بسیاری از مسائل علمی را با آیات قرآن تطبیق دهد.» (مصباح یزدی، ۱۳۶۷، ص. ۱، ص. ۲۲۶-۲۲۸)

۲- قرآن فقط کتاب هدایت و دین است و برای بیان مسائل علوم تجربی نیامده است (دراز، محمد عبدالله، ۱۴۲۱، ص. ۱۲۳-۱۳۰). ابواسحاق شاطبی و عایشه بنت الشاطبی طرفداران چنین دیدگاهی هستند که بنت الشاطبی می‌گوید: «برخی در عصر حاضر آیاتی از قرآن را متناسب با موضوعاتی چون کشف اتم، قانون جاذبه، گردش زمین، قوانین هندسه و... تفسیر کرده‌اند که نه در عصر بعثت و نه صدر اسلام به اندیشه هیچ عربی خطور نکرده است و نه چنان بوده که کسی از صحابه، شمه‌هایی از آن را دریافته و از قرآن برداشت کرده باشد.» (بنت الشاطبی، ۱۳۷۶، ص. ۹۲-۹۳)

۳- دیدگاه اعتدال است: یعنی علوم بشری در ظواهر قرآن وجود ندارد و هدف اصلی قرآن هدایتگری و رساندن انسان به مطلوب الهی است. (مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۸۵، ج. ۲، ص. ۱۱۵) برای تبیین این مطلب می‌توان گفت که قرآن برای هدایت انسان نازل شده اما علوم تجربی را نیز در بردارد شاهد بر این مطلب خود قرآن می‌باشد که ما را به تفکر و علم دعوت می‌کند. (رضایی اصفهانی ۱۳۸۱، ص. ۳۸-۳۹)

باتوجه به نظرات علامه جوادی آملی درباره قرآن کریم می‌توان دانست که ایشان با دیدگاه سوم موافق هستند که قرآن را علاوه بر اینکه هدایتگر می‌دانند به‌عنوان مرجع علمی نیز قبول دارند ایشان نظریه‌ای ابتکاری در حوزه علم و دین دارند که بر اساس مبانی حکمت متعالیه و معرفت‌شناسی اسلامی شکل گرفته است. این نظریه با محوریت وحدت حقیقت و الهی بودن مبدأ و غایت علم به دنبال بازتعریف ماهیت علوم انسانی و تجربی در چارچوب دین است ایشان با رد نظریه سستی تفکیک علم از دین معتقدند که: «علم اگر علم باشد نه وهم و نه خیال و فرضیه محض هرگز غیر اسلامی نمی‌شود. علمی که اوراق تکوین الهی را ورق می‌زند و پرده از اسرار و رموز آن برمی‌دارد؛ به‌ناچار اسلامی دینی است و معنا ندارد که آن‌ها به دینی و غیردینی تقسیم کنیم.» (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ص. ۱۴۳)

برای تبیین این سخن علامه که می‌فرمایند اسلامی کردن علوم درواقع منظورشان عرضه اسلام به علوم تجربی و رفع کمبود آن با منابع معرفتی اسلام نه اینکه علوم تجربی را منکر شده و منتظر محتوای جدیدی باشیم. (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ص. ۱۴۲).

از دیدگاه علامه جدایی و نزاع بین علم و دین و یا به عبارتی بین عقل و دین، محصول تصور نادرستی از نسبت علم و دین است و این تصور اشتباه به خاطره این است که عقل که در معنای وسیع‌تر آن که علم نیز یکی از نمودهای آن است در مقابل دین است و معرفت بشری بیگانه و جدای از معرفت دینی است و آنچه از دین می‌گوید برون مرزی است؛ یعنی آن چیزهایی که علم می‌گوید، لذا می‌توانند یکدیگر را طرد کنند. از نظر ایشان کلید حل نزاع بین و علم دین تعیین جایگاه و منزلت عقل در درون هندسه معرفت دینی است ایشان تأکید دارند که عقل همراه با نقل - کتاب و سنت - تأمین‌کننده معرفت دینی است و گستره دین شامل هر دوی عقل و نقل می‌شود و به این نکته ختم می‌گردد که معرفت عقلایی و دانش علمی بیرون از قلمرو معرفت دینی نیست و هرگز عقل به‌عنوان یکی از منابع معرفت دینی در مقابل دین قرار نمی‌گیرد، بلکه عقل در برابر نقل است نه در برابر دین. اگر عقل و در نتیجه علم در درون هندسه معرفت دینی جای گرفت آنگاه نمی‌توان مسئله تعارض را میان علم و دین و عقل و دین داشت. ثمره این مبنا این می‌شود که علم یکسره دینی می‌شود و از اساس چیزی به نام علم غیردینی وجود نخواهد داشت.

نظریه علمی - دینی علامه جوادی دارای نکاتی است که می‌توان به آن‌ها اشاره نمود: ۱- هماهنگ بودن علم با دین که با این وصف تضاد بین علم و دین رفع می‌کند و تعامل و هم‌افزایی بین علم و دین را فراهم می‌آورد. ۲- جامعیت معرفت‌شناسانه: علامه با تکیه بر اصول فلسفی و عرفانی، ملزم به این نظریه شدند که به جنبه‌های مختلف معرفت انسانی (عقلی، تجربی، شهودی) توجه دارند. ۳- مبنای توحیدی: علامه با این نگاه توحیدی قائل به این ارتباط می‌باشند.

منبع	توضیح علمی	نکته مثبت
جوادی آملی، ۱۳۹۰، منزلت عقل در هندسه معرفت دینی؛ نشر اسراء، ص ۱۴۳-۱۵۷	علامه با ارائه نظریه وحدت حقیقت علوم تجربی را کاشف کتاب تکوین الهی می‌داند و تعارض ذاتی را نفی می‌کند	رفع تعارض بین علم و دین
جوادی آملی، ۱۳۹۰، منزلت عقل در هندسه معرفت دینی؛ ص ۱۴۳-۱۵۷	تقسیم عقل به ۴ سطح به‌عنوان راه‌های مکمل کشف حقایق	جامعیت معرفت‌شناختی
جوادی آملی، ۱۳۸۶، شریعت در آینه معرفت، اسراء، ص ۳۸۵-۳۷۲	قداست علوم درگرو انطباق با هستی‌شناسی توحیدی و نه صرفاً روش تجربی	مبانی توحیدی علم

با این بیان می‌توان دانست که نظر علامه درباره اعجاز علمی به این گونه است:

به باور علامه جوادی آملی، اعجاز علمی قرآن از جنس علوم تجربی صرف نیست و نباید قرآن را به مثابه یک کتاب تعیین‌کننده علوم طبیعی و تجربی روز در نظر گرفت (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج. ۱، ص. ۱۴۲). ایشان در اثر «فرهنگ و تمدن» و سایر آثار خود معتقدند اعجاز واقعی قرآن در بیان حقیقتی است که «علم حقیقی» می‌تواند آن را تأیید و کشف کند؛ بدین معنا که قرآن به عنوان مکتبی جامع و دارای حکمت متعالی از حقیقت وجود، ساحت‌هایی از علم را که در عمق حقایق هستی جای دارند، آشکار می‌سازد، نه اینکه متکفل بیان هرم حقایق تجربی روز باشد. (همان، ص. ۱۴۳)

علامه جوادی آملی تأکید می‌کند که علم حقیقی علمی است که «اوراق تکوین الهی را ورق می‌زند» و از همین رو، «علم اگر علم باشد... هرگز غیر اسلامی نمی‌شود» (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج. ۱، ص. ۱۴۳). به این ترتیب، اعجاز علمی قرآن به نوعی هماهنگی و وحدت علم و دین اشاره دارد که در آن علم، به عنوان کشف حقایق تکوین، در چارچوب فرهنگ اسلامی و فلسفه وحیانی قرآن به عنوان منبعی نافذ مطرح می‌گردد.

از منظر ایشان، آنچه تحت عنوان اعجاز علمی قرآن مطرح می‌شود نباید به شکل ساده‌انگارانه به

پیشگویی‌های علمی یا تطابق ظاهری با یافته‌های علم تجربی تقلیل یابد، بلکه این مسئله باید در پهنه معرفت‌شناسی و حکمت متعالیه تحلیل شود، جایی که عقل معطوف به معارف دینی و نقل مکمل یکدیگرند و علم تجربی در بستر عرفان و فلسفه دینی غنا می‌یابد (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج. ۱، ص. ۱۴۴-۱۴۲). بدین ترتیب، اعجاز علمی قرآن از نظر علامه جوادی آملی، بیشتر در حوزه عمق حکمت و معنویت نهفته در آیات است که توانایی هماهنگ شدن و همگام شدن با کشفیات علمی حقیقی را دارد، بدون آنکه روزآمد شدن دانسته‌های تجربی را پاسخ مستقیم قرآن بدانیم. این نگاه ضمن رد جدایی علم و دین، بر وحدت کلی معرفت تأکید می‌کند و به‌نوعی اسلامی سازی علم با بهره‌گیری از منطق حکمی و معرفت‌شناسی دینی می‌انجامد.

دلایل اعجاز علمی

روایات

یکی از روش‌های مرسوم بین مفسران قرآن کریم استفاده از روایات معصومین علیهم‌السلام برای دستیابی به معارف قرآنی است. علت آن را می‌توان از خود احادیث جستجو کرد چراکه طبق حدیث متواتر، سنت معصومین همتای قرآن کریم است و تمسک به قرآن بدون سنت یا به سنت بدون قرآن سبب گمراهی و ضلالت است؛ بنابراین برای رسیدن به دین کامل باید به هر دو تمسک جست. (جوادی آملی ۱۳۸۸، ج. ۱، ص. ۱۳۲). علامه نیز در تفسیر خود همواره از سنت بهره جسته است. اهل بیت علیهم‌السلام در سخنانشان به مباحث علمی اشاراتی داشته‌اند که دلیلی بر اعجاز علمی قرآن است برای مثال می‌توان به سخن حضرت علی علیه‌السلام استناد کرد که می‌فرماید: (أَزْسَاهَا عَلَى غَيْرِ قَرَارٍ وَأَقَامَهَا بِغَيْرِ قَوَائِمٍ وَرَفَعَهَا بِغَيْرِ دَعَائِمٍ وَحَصَّنَهَا مِنَ الْأَوْدِ...) و هم‌چنین امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید (ان الاشيا تدل على حدوثها من دوران الفلك بما فيه و هي سبعة افلاك و تحرك الارض...) (علامه مجلسی، ۱۴۰۳، ق، ص. ۹۶، ۱۴۲).

اهل بیت علیهم السلام وظایفی داشته‌اند که یکی از آن‌ها کشف استعداد بشری است. حضرت علی علیه السلام (یثیروا لهم دفائن العقول) (نهج البلاغه، خطبه ۱، ص. ۲۴) در اصل می‌توان این ادعا را کرد که اهل بیت علیهم السلام وظیفه تعلیم بشر از جمله خبر دادن از غیب و نوآوری در علم برای بشر است برای تأیید این موضوع می‌توان به آیه قرآن نیز استناد کرد (ما لم تکنوا تعلمون) این آیه قرآن را نمی‌توان به این معنی گرفت که (آنچه نمی‌دانستید) بلکه به معنای (شما آن نبودید که از راه‌های عادی آن‌ها را بدانید) (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ج. ۱، ص. ۴۹)

بنابراین، می‌توان فهمید که ائمه اطهار همواره به اعجاز علمی قرآن کریم تصریح داشته‌اند و قرآن را منبع علم الهی دانسته و بر آن صحه گذاشته‌اند.

جامع بودن قرآن کریم

ما با توجه به آیات قرآن درمی‌یابیم که خداوند متعال قرآن کریم را روشنگر همه چیزی معرفی کرده است (وَيَوْمَ نَبْعَثُ فِي كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا عَلَيْهِمْ مِّنْ أَنْفُسِهِمْ وَجِئْنَا بِكَ شَهِيدًا عَلَىٰ هَؤُلَاءِ وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَىٰ لِلْمُسْلِمِينَ) (نحل / ۸۹) و می‌توان این آیه را دلیلی بر جامع بودن قرآن کریم گرفت. جامع بودن قرآن کریم به معنای این است که قرآن کریم باید پاسخ‌گوی تمام نیازهای بشری در همه فنون است از جمله اعتقادات، اخلاق، اقتصاد و جامعه‌شناسی و... درواقع باید قرآن در جامعه کنونی الگو باشد؛ اما توجه به نیازهای معرفتی، ما را از نیازهای ضروری روز مانند سیاست، اقتصاد، جامعه‌شناسی و... بی‌نیاز نمی‌کند (جوادی آملی، ۱۳۸۴، ص. ۳۴۲).

آیت الله جوادی آملی جامعیت را این‌گونه تعریف می‌کند «هر چیزی که در سیاست و سعادت انسان‌ها نقش مؤثری دارد، در این کتاب الهی بیان شده است و اگر کاری سبب فراهم ساختن سعادت بشر است، قرآن بدان فرمان داده است و اگر ارتکاب عملی مایه فرومایگی و شقاوت بشر می‌شود، پرهیز از آن به صورت دستوری بایسته در آن آمده است.» (جوادی آملی، ۱۳۸۵، ص. ۱۹۰) علامه

در جای دیگر نیز فرموده‌اند «هیچ عقیده‌ای در عالم نیست که قرآن کریم درباره‌ی آن سخن نگفته باشد؛ حق را تأیید و باطل را نفی می‌کند. این امر شامل همه عقاید گذشته و آینده می‌شود؛ زیرا مکاتب بشری، خواه آنچه پیش از نزول قرآن کریم پدید آمده بود یا آنچه معاصرش بود یا آنچه بعداً پدید می‌آید، باید بر قرآن عرضه کرد و این کتاب جامع الهی نیز درباره صحت و سقم آن‌ها نظر دهد» (جوادی آملی، ۱۳۸۵، ص. ۱۹۰)

بر اساس دیدگاه علامه جوادی آملی، جامعیت قرآن کریم (تبیاناً لکل شیء) و اعجاز علمی آن، دوروی یک سکه‌اند که در چارچوب هدف هدایتگری قرآن به هم پیوند می‌خورند: جامعیت قرآن، زیرساخت ظهور اعجاز علمی است؛ زیرا ظرفیت ذاتی متن مقدس برای تعامل دانش متحول بشری را فراهم می‌سازد. این ویژگی، قرآن را به کتابی فرازمانی تبدیل می‌کند که در هر عصر، جلوه‌های جدیدی از معارف آن کشف می‌شود (جوادی آملی، تفسیر تسنیم، ج. ۹، ص. ۳۴۳).

مکانیزم ارتباطی در سه سطح

مکانیزم ارتباطی یعنی فرآیندی که پیام یا معنا در سه سطح مختلف منتقل و فهمیده می‌شود. این سه سطح در زمینه قرآن و اعجاز علمی معمولاً به صورت «هستی شناختی»، «هدایتی» و «معرفتی» تقسیم می‌شوند.

اگرچه هر سه سطح فوق به نوعی آثار و نمونه‌هایی از اعجاز قرآن را متصور هستند، اما در تحلیلی دقیق‌تر، «اعجاز علمی» به مثابه یک مکانیزم یا ویژگی خاص است که ظرفیت قرآن برای سنخیت و هماهنگی با علوم تجربی نوین را توضیح می‌دهد بی‌آنکه در سطوح دیگر این وجه به‌روشنی دیده شود. به عبارت دیگر:

- در سطح هستی شناختی، قرآن اصول کلی و بنیادین خلقت را بیان می‌کند.
- در سطح هدایتی، عقل را به حرکت و پژوهش ترغیب می‌کند.

- اما در سطح اعجازی، به توان متن قرآن برای بروز و معناداری معارف علمی در طول زمان و در بستر پیشرفت علوم اشاره می‌شود.

سطح	نقش جامعیت	تأثیر اعجاز علمی	شاهد قرآنی
هستی‌شناختی	ارائه اصول کلان خلقت	ایجاد چهارچوب برای کشف قوانین طبیعت	«أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا نَأْتِي الْأَرْضَ نَنْقُصُهَا مِنْ أَطْرَافِهَا» (رعد / ۴۱)
هدایتی	جهت‌دهی به عقل جستجوگر	ترغیب به پژوهش‌های تجربی	«قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا» (عنکبوت / ۲۰)
معرفتی	حفظ ظرفیت معرفتی متن	امکان تطبیق با یافته‌های نوین	«سُتْرِيبُهُمْ آيَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ» (فصلت / ۵۳)

تطبیق موردی جامعیت قرآن کریم: آیه ۳۰ انبیاء

آیه: «أَوَلَمْ يَرَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ كَانَتَا رَتْقًا فَفَتَقْنَاهُ»

- جامعیت: بیان اصل وحدت نخستین عالم (رتق) به‌عنوان کلید فهم نظام آفرینش

- اعجاز علمی: انطباق با نظریه Big Bang در فیزیک نوین (نظریه انفجار بزرگ پایه‌ای‌ترین

نظریه کیهان‌شناسی معاصر است که می‌گوید جهان از نقطه‌ای بسیار متراکم، داغ و تکینگی آغاز

شده و سپس در حال گسترش است که با مفهوم آیه فوق کاملاً منطبق است)

- پیوند مفهومی: این آیه، نمونه‌ای عینی از تجلی جامعیت در عرصه علم است؛ چراکه هم

اصل هستی‌شناختی را بیان می‌کند (جامعیت ذاتی) و هم با کشفیات تجربی مطابقت دارد (اعجاز)

(طباطبایی، المیزان، ج. ۱۴، ص. ۲۵۱).

جامعیت قرآن به معنای ذکر جزئیات علوم نیست، بلکه:

۱. ایجاد چارچوب حکمی برای تفسیر نظام خلقت (مبانی هستی‌شناسی)

۲. فراهم آوری زمینه کشف اعجاز از طریق هم‌خوانی با دانش متکامل بشری

۳. تحقق وعده الهی در آیه «وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ» به مثابه ظرفیتی سیال که در هر عصر تجلی می‌یابد.

اعجاز علمی، جلوه‌ای عینی از جامعیت قرآن است که در سیر تاریخ علم، به تدریج آشکار می‌شود و همواره زنده‌بودن و جهان‌شمولی متن مقدس را اثبات می‌کند (جوادی آملی، ۱۳۹۷، ص. ۱۹۵).

زنده‌بودن قرآن

یکی دیگر از ویژگی‌هایی که قرآن کریم را معجزه معرفی می‌کند زنده‌بودن آن است چراکه قرآن کریم برای بشر تا همیشه برای هر جبهتی برنامه دارد و این خبر از زنده‌بودن قرآن می‌دهد؛ یعنی برنامه حیات‌بخشی است که تا پایان جهان هستی و برپایی قیامت؛ بشر را هدایت خواهد کرد (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ص. ۲۷۷).

باگذشت زمان و پیشرفت علم و همچنین با پیدا شدن استعدادهای جدید و نو در این جهان مادی همواره باید قرآن کریم بنا بر آن اقتضایی که برایش فائل هستیم پاسخگو باشد «وَأَن تَكُونَ مِّنْ كُلِّ مَا سَأَلْتُمُوهُ وَإِن تَعُدُّوا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تَحْصُوهَا إِنَّ الْإِنسَانَ لَظَلُومٌ كَفَّارٌ» (ابراهیم/۳۴) پس قرآن کریم برآورده‌کننده همه نیازها و مشکلات بشر و پاسخگو به هر پرسشی با پاسخی جدید است (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ص. ۱۲۳).

زنده‌بودن قرآن کریم به معنای ظرفیت پویای متن مقدس برای پاسخگویی به نیازهای متحول بشری در همه اعصار است این ویژگی قرآن را از متون تاریخی متمایز می‌سازد (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ص. ۲۷۷) ما مبتنی بر دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی می‌توانیم برای زنده بودن قرآن کریم ویژگی ذکر کنیم که عبارتند از: ۱- عدم انجماد تفسیری: امکان خوانش جدید از آیات. ۲- تکامل در ادراک: رشد فهم بشری از آیات با پیشرفت علم ۳- تائید پذیری تجربی: مطابقت آیات با یافته‌های علوم (اعجاز). (جوادی آملی، ۱۳۸۵، ج. ۳، ص. ۱۲۵)

کارکرد محتوای قرآن کریم در تجلی اعجاز علمی

بنا بر آنچه علامه جوادی فرمودند: قرآن کتاب هدایت است و کارخانه انسان‌سازی است همان‌طور

که خود قرآن نیز به این حقیقت اذعان دارد (ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ) (بقره ۲) در این مسیر انسان‌سازی قرآن کریم از تمام نعمات الهی بهره می‌گیرد و از این‌رو انسان را به اندیشه در قرآن کریم فرامی‌خواند: (أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا) (محمد/۲۴) گاهی صدر و ساقه چیزی در متون مقدس مطرح می‌شود و زمانی فقط برخی از آن‌ها بازگو می‌شود و مبادی تصدیقی آن را روایت معتبر ارائه می‌کند و گاهی نیز مبادی تصدیقی آن را درایت عقلی تأمین می‌کند. آنچه درباره اشمال متون مقدس بر فنون تجربی و تاریخی و... ارائه شد از این‌قبیل است که اصل مطلب را متن دینی در بردارد؛ ولی بسیاری از مبادی تصدیقی آن را احساس و تجربه طبیعی یا منطق ریاضی یا منطق تجربیدی و مانند آن تأمین می‌کند (جوادی آملی، ۱۳۸۴، ص. ۳۴۳) با این بیان علامه می‌توان دریافت که قرآن کریم درواقع برای علوم روز سکویی هست برای رشد و بالندگی و از این‌رو انسان درمی‌یابد که منشأ و مبدأ این علوم از کجاست (هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ) (حدید/۳)؛ از این‌جهت، برخی از مثال‌ها و مطالب علمی درست و حق را بیان می‌کند که هدف از آن آموزش علوم نیست و همه علوم بالفعل هم در این کتاب مقدس ذکر نشده است، بلکه اشاره‌هایی در این زمینه، استطرادی و عرضی است، برای دست‌یابی به کمال ابدی. (رضایی اصفهانی ۱۳۸۶، ص. ۳۹).

دیدگاه سید قطب درباره اعجاز علمی قرآن

سید قطب در کتاب فی ظلال القرآن دیدگاه‌های خاصی در مورد اعجاز علمی قرآن دارد. او می‌نویسد که قرآن نه برای آموزش و تبیین مسائل علمی به انسان نازل شده است و نه باید آن را به‌عنوان یک کتاب علمی صرف در نظر گرفت. بلکه هدف اصلی قرآن، هدایت بشر به‌سوی سعادت در دنیا و آخرت است. او بر این باور است که قرآن معجزه‌ای است که نمی‌توان آن را به کشفیات و دستاوردهای علمی بشر محدود کرد. (سید قطب، ۴، ۱۸۵۸ و ۲۳۷۶)

در این راستا، سید قطب، به‌شدت مخالف است که قرآن را به‌صرف تطابق با فرضیات و

کشفیات علمی تفسیر کنیم. از دیدگاه او، اگرچه در برخی آیات قرآن ممکن است ظاهراً با برخی مفاهیم علمی تطابق دیده شود، اما این امر به هیچ عنوان نباید به معنای تأیید علمی قرآن باشد. بلکه قرآن همچنان باید به عنوان یک منبع الهی و متعالی با در نظر گرفتن معانی قطعی و نهایی خود مورد فهم و تفسیر قرار گیرد. (سید قطب، ج. ۱، ص. ۱۸۲ و ج. ۴، ص. ۲۴۵۸، ۲۳۷۶)

او اعجاز علمی قرآن را نه در تطبیق آن با علم بشری، بلکه در خود قرآن و در چارچوب معانی و پیام‌های الهی آن می‌بیند که دارای ابعادی فراتر از علم بشری است. (سید قطب، ج. ۶، ص. ۳۴۵۱)

بررسی اعجاز علمی قرآن

۱. عدم انطباق موضوع علم با قرآن

سید قطب اساساً موضوع قرآن را متفاوت با موضوع علم می‌داند و آن را کتاب هدایت بشر معرفی می‌کند، نه کتابی که به مسائل علمی پرداخته باشد. از نظر او، هدف قرآن هدایت انسان‌ها به سوی سعادت در دنیا و آخرت است، نه ارائه توضیحات علمی در مورد چگونگی آفرینش یا قوانین فیزیکی و شیمیایی. او باور دارد که علوم طبیعی و دیگر علوم بشری در قرآن بیان نشده‌اند، بلکه قرآن از انسان‌ها می‌خواهد که به دنبال حقیقت در زندگی معنوی و اخلاقی خود باشند (سید قطب، ۱۴۰۸ ق، ج. ۴، ص. ۱۸۵۸ و ۲۳۷۶)؛ اما بعضاً با توجه به تفاسیر موجود مشاهده می‌کنیم که قرآن کریم به بعضی نکات علمی عالم اشاره‌ای کرده است و این نیز به تعبیر سید قطب به خاطر وجود انسان و تعیین جایگاه انسان نسبت به عالم هستی است و تعیین غایت و هدف انسان است. (سید قطب، ۱۴۰۸ ق، ج. ۱، ص. ۵۴۳-۵۴۵ و ج. ۵، ص. ۲۹۴)

سید قطب بر این باور است که خداوند متعال در کتاب خود که موضوعش را هدایت انسان قرار داده است و این موضوع را بسیار فراتر از موضوع علوم مختلف می‌داند چراکه بر این باور است انسان با توجه به ویژگی که دارد (عقل: تجربه و تحقیق و کشف و کسب که کار عقل است) می‌تواند همه علوم

را کشف و کسب کند. بالاین حال می‌توان نتیجه گرفت که قرآن کریم هدفی والاتر دارد و آن اینکه می‌خواهد انسان را موجودی معرفی کند که با جهان هستی در ارتباط است و چگونگی ارتباط انسان با خالقش و همچنین از شرایط وی در این جهان هستی را به تصویر بکشد تا انسان در سایه قرآن کریم بتواند از همه توانایی خود از جمله عقل کمک بگیرد و به کشف و تجربه و کسب علوم پردازد. (سید قطب، ۱۴۰۸ ق، ج. ۱، ص. ۱۸۱-۱۸۲ و ج. ۳، ۱۳۹۹ و ج. ۴، ص. ۲۳۷۶). سید قطب قرآن کریم را منحصر در هدایت معنوی و اخلاقی می‌داند؛ اما با توجه به تألیفات علامه جوادی آملی می‌توان گفت که این ادعا کاملاً ناتمام است چراکه بخش مهمی از هدایت قرآن کریم به‌سوی شناخت صحیح عالم است که شناخت نظام هستی، نشانه‌های خداوند در آفاق و انفس و قوانین حاکم بر جهان، خود بخش مهمی از مسیر هدایت به‌سوی خدا و سعادت حقیقی است (جوادی آملی، ۱۳۹۷، ص. ۲۳) و همچنین سید قطب اشارات علمی قرآن را صرفاً تمثیل یا بیان جایگاه انسان می‌داند؛ اما این‌طور نیست؛ بلکه بیان حقیقت است و بیانگر حقایق عینی و واقعیات خلقت است. درواقع قرآن هم‌زمان با بیان حقایق علمی بلکه با استفاده از همان حقیقت به هدایت و توجه دادن به مبدأ و معاد استفاده می‌برد که این برخلاف نظرات سید قطب است. (جوادی آملی، تسنیم، ج. ۱، ص. ۱۵۰) و در بیانی دیگر که سید قطب علوم تجربی را مستقل و محصول عقل و تجربه می‌داند که نقطه مقابل این نظر علامه قرآن را هم منبع الهم برای پژوهش‌های علمی می‌داند و هم معیاری برای سنجش صحت و سقم آن. درواقع نظریه که با نص و صریح و قطعی قرآن در تعارض باشد مردود است عقل و تجربه بشری باید در پرتو قرآن به کار گرفته شود. (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ص. ۳۲۷)

۲. مخالفت با تطبیق قرآن با نظریات علمی

سید قطب قرآن کریم را معجزه می‌داند هرچند حقایق و نصوص قطعی آن با کشفیات جدید بشر مطابقت نداشته باشد (سید قطب، ج. ۶، ص. ۳۴۵۱) مقابل آن این مفسر حقایق علمی و نظریات و

فرضیات علمی را که از راه تجربه حاصل شده است هر چند به طور قطعی باشد نمی‌پذیرد و آن‌ها را غیرقطعی می‌داند فرقی بین فرضیه علمی و حقایق علمی در این خصوص نیست با این فرض ایشان تطبیق آیات بر حقایق و فرضیات علمی را اشتباهی روش‌شناختی می‌دانند. (سید قطب، ۱۴۰۸، ق، ۱۸۲، ج. ۱ و ج. ۴، ص. ۲۴۵۸، ۲۳۷۶). ایشان استفاده از این روش را برای مفسرین خالی از اشکال نمی‌بیند و براین اساس برای آن‌ها سه دلیل می‌آورد:

۱- این‌گونه روش تفسیری را حاصل از خود تحقیق می‌دانند.

۲- این افراد را غافل از رسالت قرآن می‌دانند.

۳- این روش سبب تأویل مستمر آیات قرآن بنا بر اطلاعات غیر متقن می‌شود. (سید قطب، ۱۴۰۸، ق، ج. ۱، ص. ۱۸۲)

نویسنده کتاب فی ظلال بر این باور است که قرآن کریم معجزه است، خواه نصوص ثابت و قطعی آن با حقایق علمی مطابقت داشته باشد یا نداشته باشد (سید قطب، ۱۴۰۸، ق، ج. ۶، ص. ۳۴۵۱) و حتی ایشان در مواردی که نصوص قرآنی با نظریه‌های علمی مطابقت دارند نهی می‌کند و او بر این باور است که علم بشری هر روز در حال پیشرفت و تغییر است؛ بنابراین، تطبیق قرآن با علم ممکن است در آینده باعث بروز تناقضاتی شود، چراکه برخی از تئوری‌های علمی ممکن است غلط از آب درآیند یا تغییر کنند؛ بنابراین، تطبیق قرآن با علم نمی‌تواند به عنوان راهکاری درست برای فهم قرآن به شمار آید. (سید قطب، ۱۴۰۸، ق، ج. ۴، ص. ۱۸۵۷-۱۸۵۸ و ج. ۱، ص. ۲۸۰ و ج. ۴، ص. ۲۵۲۳، ۲۳۷۶ و ج. ۶، ص. ۳۶۷۹)

سید قطب اعجاز قرآن را مستقل می‌داند؛ اما باید به این نکته توجه داشت که قرآن کتاب تکوین و تدوین است که نباید اعجاز قرآن را صرفاً در بعد لفظی یا هدایت اخلاقی مجرد دانست؛ بلکه بنا بر مبنای حکمت محوری و وحدت حقیقت باید گفت که اعجاز قرآن علاوه بر بعد هدایتی و اخلاقی، بعد علمی و معرفتی نیز دارد که شامل بیان حقایق عینی و اسرار خلقت است که این

حقایق قابل کشف توسط علوم تجربی است و مطابقت کشفیات قطعی علمی با قرآن خود مؤید و مصداقی از اعجاز قرآن است انکار مطابقت درواقع نادیده گرفتن بخشی از اعجاز قرآن کریم است.

(جوادی آملی، ۱۳۸۵، ج. ۱، ص. ۱۵۰) (جوادی آملی، ۱۳۹۷، ص. ۸۵)

همچنین اینکه سید قطب تفاوتی بین فرضیه و کشف قطعی علمی قائل نمی‌باشد؛ اما باید دانست که تمایز اساسی بین فرضیه و کشفیات قطعی علمی که به مرحله یقین رسیده‌اند وجود دارد که تطبیق قرآن با فرضیه بنا بر هر نگاهی مردود است؛ اما امکان هرگونه تطبیق با کشفیات قطعی خود نادیده گرفتن بخشی از هدایت و اعجاز قرآن کریم است. (جوادی آملی، ۱۳۸۵، ج. ۳، ص. ۲۸۵)

(جوادی آملی، ۱۳۸۹، ص. ۳۲۷)

۳. قرآن معجزه‌ای ثابت و مستقل از علم بشری

با سیر در کتاب فی ظلال خواهیم یافت که این مفسر برای قرآن کریم جنبه علمی قائل نیست و مخاطب قرآن را که تمام بشریت در هر زمان و در هر مکان و با هر سطح سواد می‌داند، براین باور است که این ویژگی به خاطر منعطف بودن نص قرآن کریم می‌باشد. وی معتقد است که چون هدف قرآن کریم هدایت تمامی انسان‌هاست نه فقط قشر خاصی بنابراین با بیانی واحد تمامی انسان‌ها را مورد خطاب قرار داده و همین بیان واحد برای تمامی انسان‌ها دلیل است برای پی بردن به وجود خداوند متعال و ضرورت تمسک به احکام و حیانی که سبب هدایت همگان می‌شود و می‌توان گفت کته آن واحد همان بیان طبیعت است که هر انسانی به اندازه فهم خود از آن بهره‌برداری می‌کند (سید قطب، ۱۴۰۸، ق، ج. ۶، ص. ۳۸۱۷) و هر یک از افراد بشر به قدر استعداد خود از آن دریافت می‌کند و این در حالی است که می‌توان گفت همه به یک چشم انداز می‌نگرند اما... (سید قطب، ۱۴۰۸،

ق، ج. ۱، ص. ۵۴۳-۵۴۵ و ج. ۲، ص. ۷۲۱ و ج. ۵، ص. ۲۹۴۳ و ج. ۶، ص. ۳۳۶۰).

سید قطب باور دارد که قرآن یک معجزه الهی است که هیچ‌گاه به علم بشری وابسته نیست قرآن

درواقع یک معجزه جاودانه است که همواره حقیقت خود را حفظ می‌کند و نمی‌توان آن را با یافته‌های علمی مورد تأیید یا تکذیب قرارداد.

سید قطب برای این ادعایش مثالی را نیز ذکر می‌کند: «هُوَ الَّذِي جَعَلَ الشَّمْسُ ضِيَاءً وَالْقَمَرَ نُورًا وَقَدَرَهُ مَنَازِلَ لِتَعْلَمُوا عَدَدَ السِّنِينَ وَالْحِسَابَ مَا خَلَقَ اللَّهُ ذَلِكَ إِلَّا بِالْحَقِّ يُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ» (یونس / ۵)

این آیه مبارکه درصدد بیان واقعیاتی از عالم هستی است و به منازل ماه و رؤیت آن مربوط می‌شود که ما بدون نیاز به علم ستاره‌شناسی به این درک از ماه (شکل و جایگاه ماه در آسمان) برسیم و به عظمت و بزرگی و قدرت خداوند متعال پی ببریم. (سید قطب، ۱۴۰۸، ج. ۶، ص. ۳۶۳۳)

۴. گسترش فهم قرآن با علم

سید قطب اذعان دارد که علم می‌تواند به تبیین و گسترش فهم ما از قرآن کمک کند، اما نباید به‌عنوان ابزاری برای تغییر یا اصلاح معانی آیات قرآن استفاده شود. علم می‌تواند ابزاری برای تعمق بیشتر در مفاهیم قرآن باشد، اما هیچ‌گاه نباید به تغییر محتوای قرآن منجر شود.

علم به‌خودی‌خود هیچ‌گاه نباید جایگزین تفاسیر دینی و معنوی قرآن شود. علم می‌تواند ما را به فهم بهتر آیات کمک کند، اما به معنای تغییر معنای این آیات نیست (سید قطب، ۱۴۰۸، ج. ۱، ص. ۱۸۳ و ج. ۶، ص. ۳۴۵۱) این دیدگاه سید قطب دارای اشکالاتی است که عبارت است از اینکه علم نه‌تنها ابزار تعمق بلکه کاشف معانی بطنی و مصادیق جدید می‌باشد درواقع می‌توان گفت علوم تجربی قطعی پرده‌برداری می‌کنند از اسرار آیات آفاقی و انفسی قرآن کریم؛ و هم‌چنین نکته دیگری که می‌توان به آن اشاره نمود تمایز بین تغییر معنا و کشف معنا و توسعه دایره مصداق می‌باشد. آنچه سید قطب از آن هراس دارد به عنوان تغییر معنا در بسیاری از موارد کشف معنای واقعی و گسترش دایره مصداق آیه می‌باشد و معنای اصلی آیه ثابت می‌ماند و تغییر نمی‌کند؛ اما فهم بشر از عمق، گسترده

و مصادیق عینی آن معنا به مدد علم توسعه می‌یابد. این فرآیند تکامل فهم بشری است از قرآن نه تحریف یا تغییر معنای قرآن. (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج. ۱، ص. ۳۳۰) (جوادی آملی، ۱۳۸۳، ج. ۱، ص. ۱۵۲)

نمونه‌هایی از قرآن کریم

مطالعه حاضر به بررسی تفسیرهای سید قطب درباره ارتباط آیات منتخب قرآن کریم با مباحث علمی و فلسفی می‌پردازد. یکی از مباحث حیاتی در علوم قرآنی، نسبت میان آموزه‌های وحیانی و دانش تجربی است. تفسیر سید قطب مؤید این دیدگاه است که قرآن باید به عنوان متنی معنوی و هدایت‌گر انسانی فهمیده شود و صرف تطبیق آیات قرآنی با نظریات علمی موجود، محدود و ناقص است. در این راستا، سه نمونه از آیات قرآنی مورد تحلیل قرار می‌گیرد.

۱- آیه ۴۸ سوره ذاریات

«وَالْأَرْضَ فَرَشْنَاهَا فَنِعْمَ الْمُهْدُونَ»؛ سید قطب در تفسیر این آیه می‌گوید که مفهوم «فرش کردن زمین» اشاره به این دارد که زمین برای سکونت انسان‌ها به گونه‌ای آماده و آسوده است. باتوجه به تفسیر ایشان در این آیه درمی‌یابیم که ایشان قائل به ارتباط علمی این با تئوری‌های زمین‌شناسی نیست و نباید به‌طور مصنوعی تلاش کرد که آیه را با نظریات علمی تطبیق داد.

این مفسر تأکید دارد که قرآن در اینجا به آرامش و راحتی زمین برای سکونت انسان اشاره می‌کند و

این مطلب مربوط به فلسفه خلقت و حکمت الهی است. (سید قطب، ۱۴۰۸، ق، ذیل آیه ۴۸ ذاریات)

۲- آیه ۲۴ سوره حشر

«يُسَبِّحُ لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ»؛ در این آیه، سید قطب اشاره می‌کند که آسمان‌ها و زمین همواره در حال تسبیح و ستایش خداوند هستند و این تسبیح به معنای تسلیم بودن در برابر اراده خداوند است که این تسبیح را در آیات دیگر تعریف کرده و سید قطب اذعان دارد که این تسبیح پدیداری در جهان هستی و در زندگی انسان‌ها دارد. با این سخن سید قطب می‌توان

دریافت که نمی‌شود مدعی شد که علم فیزیک و نجوم و یا هر علم مرتبط دیگر می‌تواند ابعاد مادی و طبیعی جهان در این حد اشاره داشته باشد و هم‌چنین هیچ‌گاه نمی‌تواند معنا و هدف اصلی این آیه را که ارتباط انسان‌ها با خداوند است، کامل توضیح دهد. (سید قطب، ۱۴۰۸ ق، ذیل آیه ۲۴ حشر)

بنابراین علم نمی‌تواند تمامی ابعاد معنوی آیات قرآن را روشن کند، زیرا قرآن در سطحی عمیق‌تر و معنوی‌تر از علم مادی است. علم به‌طور موقت و نسبی است، اما قرآن یک حقیقت جاویدان است.

۳- آیه ۱ سوره الطارق

«وَالسَّمَاءِ وَالطَّارِقِ»: در تفسیر این آیه، سید قطب در تفسیر خود بر نمادین بودن مفهوم «طارق» (ستاره‌ای که شب‌ها می‌آید) تأکید دارد و آن را نه صرفاً اشاره به پدیده‌ای نجومی بلکه برای اشاره به حقیقتی بزرگ‌تر استفاده می‌کند. او بیان می‌کند که آیه در پی به تصویر کشیدن عظمتی است که به‌وسیله آن انسان‌ها باید به حقیقت‌های بالاتر در زندگی توجه کنند. (تفسیر فی ظلال، ۱۴۰۸ ق، ذیل آیه ۱ طارق) این آیه نشان‌دهنده معنویت و هدایتی است که قرآن به انسان‌ها ارائه می‌دهد و نباید صرفاً آن را به‌طور علمی و مادی تفسیر کرد. برخلاف تفاسیر دیگر که واژه طارق را به معنی سیاره‌ای در کهکشان هستی معنی کرده و برای این آیه وجهی علمی در اشاره به کشف سیاره‌ای در کهکشان هستی قائل هستند.

بر اساس تحلیل‌های فوق، می‌توان نتیجه گرفت که رویکرد سید قطب به قرآن مبتنی بر درک عمیق معنوی و فلسفی است و وی معتقد است قرآن نباید به‌صرفه تطبیق جزئی و ظاهری با یافته‌های علمی محدود شود. این اندیشه می‌تواند به عنوان مبنایی در مطالعات علوم دینی مطرح شود که قرآن را یک متن زنده و هدایت‌گر می‌داند که با هدایت‌های اخلاقی-معنوی، فراتر از دانش مادی بشری است. این تحلیل، ضرورت توجه به ابعاد غیرمادی و معنوی آیات قرآنی را در پژوهش‌های قرآنی و علوم انسانی معاصر برجسته می‌سازد.

نتیجه گیری

با تحلیل دیدگاه‌های علامه جوادی آملی و سید قطب درباره اعجاز علمی قرآن کریم، می‌توان به دو نگرش عمده دست یافت: نگرش جامع‌نگر علامه جوادی آملی که قرآن را مرجعی برای تمام علوم می‌داند و بر هم‌افزایی میان علوم تجربی و معارف قرآنی تأکید دارد و دیدگاه سید قطب که بر استقلال قرآن از علم بشری تأکید کرده و هرگونه تطبیق علمی آیات را مردود می‌شمارد. در نهایت، این پژوهش نشان می‌دهد که هر دو رویکرد، به‌نوعی در تلاش‌اند تا عظمت قرآن را در هدایت بشر تبیین کنند، اما تفاوت‌های بنیادینی در نحوه تعامل این دو اندیشمند با علوم و معارف بشری مشاهده می‌شود. این تفاوت‌ها، بستری مناسب برای تفکر و تحقیق بیشتر درباره جایگاه قرآن در دنیای مدرن فراهم می‌کند.



منابع

قرآن کریم.

نهج البلاغه؛ ۱۴۱۴، صبحی صالح، نشر هجرت قم.

جوادى آملی، عبدالله، ۱۳۸۳، تسنیم، اسراء، قم.

_____، ۱۳۸۴، وحی و نبوت در قرآن، اسراء، قم.

_____، تسنیم، ۱۳۸۵، ج ۳، ص ۱۲۵.

_____، ۱۳۸۵، هدایت در قرآن، اسراء، قم.

_____، ۱۳۸۸، قرآن در قرآن، اسراء، قم.

_____، قرآن در قرآن، ۱۳۸۸: ۲۷۷.

_____، ۱۳۸۹، منزلت عقل در هندسه معرفت دینی، اسراء، قم.

_____، ۱۳۸۹، همتایی قرآن و اهل بیت علیهم السلام، اسراء، قم.

_____، ۱۳۹۷، شریعت در آینه معرفت، اسراء، قم.

سید قطب، ۱۴۰۸ ق، فی ظلال القرآن، دار الشرق، بیروت (لبنان).

طباطبایی، محمد الحسین، ۱۳۹۵، المیزان، انتشارات اسلامی، قم.

این منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۱۴ ق، لسان العرب، دار صادر، بیروت.

فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۲۱، العین، دار احیاء تراث، بیروت.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۳۷۴، مفردات الفاظ قرآن، ترجمه غلام رضا خسروی حسینی،

انتشارات مرتضوی، تهران.

این فارس، احمد بن فارس، ۱۳۶۳، معجم مقاییس لغه، دفتر تبلیغات اسلامی، قم.

رضایی اصفهانی، محمدعلی، ۱۳۸۸، پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، کتاب مبین، رشت.

اندلسی، ابو حیان محمد بن یوسف، ۱۴۲۰ ق، البحر المحيط فی تفسیر القرآن دار الفکر، بیروت.

مجلسی، محمدتقی، ۱۴۰۳، ق، بحار الانوار لدرراخبار الائمة الاطهار، دار احیاء تراث العربی، بیروت.

دراز، محمد عبدالله، ۱۴۲۱ ق، النبا العظیم، کویت، دارالقلم.

طنطاوی، جوهری، ۱۹۹۷، الجواهر فی تفسیر القرآن الکریم، ج ۱، بیروت: دارالفکر

مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۸۵، قرآن شناسی، ج ۲، موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی.